

اشکال دوم)

«وقد يمنع عن هذا الإطلاق بدعوى: أنَّ عنوان ما لا يؤكل معرّف إلى العناوين التفصيلية من الحيوانات التي لا يؤكل لحومها كالسباع ونحوها، والتمسك بالإطلاق المذكور مبنى على أن يكون عنوان «ما لا يؤكل» بنحو الموضوعية، وهذا خلاف الظاهر كما تقدّم في ما سبق أيضاً، ولهذا لا يتوهم إطلاقه لما إذا حرم أكل الحيوان لجهة طارئة كالغصيبة مثلاً.»^۱

توضیح:

۱. عنوان ما لا يؤكل لحمه، در صورتی مطلق است و شامل «ما لا يؤكل لحمه بالجلل» می‌شود، که بگوئیم این عنوان موضوعیت دارد، در حالیکه این عنوان، مشیر به عناوین دیگری است که همان نام حیوانات است: مثل گاو و شیر و ...
۲. و الشاهد علی اینکه ما لا يؤكل لحمه، عنوان دارای موضوعیت نیست، آنکه شامل جایی که حرمت اکل به سبب غصب، خرد و ... باشد، نمی‌شود.

پاسخ)

«وفیه: أنَّ المستظهر من روایات نجاسة بول ما لا يؤكل لحمه: أنَّ موضوع الحكم هو الحيوان حرام اللحم، الذي تكون حرمة ثابتةً لِلحَمِ بما هو لحم، لا بما هو غصب أو ضرر أو نحو ذلك، وهذا شامل للحيوان الذي حرم لحمه ولو كانت الحرمة لطوء حالة في اللحم كالجلال. ولا يمنع عنه

۱. همان، ص ۳۷

كون عنوان ما لا يؤكل مشيراً إلى العناوين التفصيلية الواقعية من الحيوان، فإنّ العناوين الواقعية التفصيلية قد تكون دائمية، وقد تكون عارضة كالجلال والموطوء.^۱

توضیح:

۱. «ما لا يؤكل لحمه»، ظاهر در آن است که ملاک نجاست، حرمت اكل گوشت بما هو گوشت است (و نه حرمت اكل گوشت بما هو مضر يا مغصوب).
۲. و حتی اگر بپذیریم که این عنوان، مشیر به عناوین دیگر است آن عناوین گاهی دائمی (مثل شیر و عقاب و...) هستند و گاهی عنوان‌های عارضی مثل جلال.
۳. پس گویی «ما لا يؤكل لحمه» مشیر است به «شیر»، «عقاب»، «گره»، «جلال» و

کلام شهید خمینی

مرحوم شهید مصطفی خمینی در این بحث می‌نویسد:

«أبوال حیوانات المحرم أكلها بالعارض، تكون نجسة كغيرها مطلقاً، أو هي طاهرة مطلقاً. أو يفصل تارة: بين ما كان محرماً بالعارض، كالجلال و الموطوء للإنسان، و الغنم الذي شرب لبن خنزيرة، و بين ما كان محرماً بالعارض كالمضرّ و المغصوب و المنذور ترك أكله. و أخرى : بين موطوء الإنسان، فيكون هو ملحقاً بالمحرّم الذاتيّ، و بين غيره. و ثالثة : غير ذلك من الصور و الاحتمالات، و منها: إلحاق الجلال و الموطوء فقط دون غيره بالمحرّم الذاتيّ. و منها : إلحاق الجلال العرضيّ كالذي يؤكل في المجاعة و عند الاضطرار بالمحلّل الذاتيّ»^۲

توضیح:

شش قول در مسئله قابل طرح است:

- یک) بول و خرد حیوانات محرم بالعارض نجس است مطلقاً
- دو) بول و خرد حیوانات محرم بالعارض طاهر است مطلقاً
- سه) بول و خرد حیوانات محرم بالعارض اگر علت حرمت اكل جلال و وطی و شرب لبن خنزیر است، نجس است، و اگر علت حرمت اكل، ضرر، نذر و غضب است طاهر است.
- چهار) بول و خرد حیوانات محرم بالعارض اگر علت حرمت وطی انسان است نجس است (و چنین حیوانی مثل نجس العین است) و الا طاهر است.

۱. همان

۲. کتاب الطهارة (شهید خمینی)، ج ۲، ص ۳۲۴



پنج) بول و خړء حیوانات محرم بالعاض اگر علت حرمت اكل، جلال و وطی است نجس است (و این دو مثل نجس العین اند) و الا طاهر است.

شش) بول و خړء حیوانات محرم بالعاض اگر جلال به سبب گرسنگی و یا اضطرار، حرام گوشت شده است، بول و خرثش پاک است و الا نجس است (و در سایر حرام گوشتها هم بول و خړء نجس اند) ایشان سپس می نویسد که اگر دلیل نجاست، اجماعات و تسالم اصحاب است، این دلیل تمام نیست چرا که: اولاً: اجماعات مطرح شده در مورد جلال و موطوء است و اصلاً ناظر به «شرب از لبن خنزیر» نیست. ثانیاً: این اجماعات هم مدرکی است.

ایشان سپس به روایات اشاره می کند و نهایتاً با توجه به تعارضات آنها می نویسد:

«فیتعین طهارة بول الجلال و الموطوء، إلّا خوفاً من مخالفة الاتفاق و الإجماع، فقضية الصناعة من جميع الجوانب هي الطهارة قویاً، فلاحظ و تأمل.»^۱

جمع بندی:

به نظر جمع بندی نهایی مرحوم شهید خمینی کامل است. و اگر تسالم اصحاب و شهرت عظیمه در میان متأخرین نبود حکم به طهارت قابل قبول بود. بل لا یبعد.

۱. همان، ص ۳۲۸